جستجوی خوش خاکستری

خوانش رنگ در شعر نو

مصطفی صدیقی

www.ketab.ir

صدیقی، مصطفی
جستجوی خوش خاکستری؛ خوانش رنگ در شعر نو/ مصطفی صدیقی.- تهران: روشن مهر، ۱۳۸۴
[۲۷۰] ص. جدول.
ISBN: 964-93900-7-3: ۲۵۰۰ تومان
ص. ع. به انگلیسی: Pleasant Search for Gray: The Analysis of the Color in Modern Poem
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه: ص [۲۶۹]
۱. رنگ در ادبیات. ۲. شعر فارسی ــ قرن ۱۴ ــ تاریخ و نقد. الف. عنوان.

۴ ص ۸ ر/PIR ۳۵۵۵ ۱/۶۲۰۸۳۵۷ فا ۸
کتابخانه ملی ایران ۸۳-۴۰۷۱۹ م

جستجوی خوش خاکستری
* نویسنده: مصطفی صدیقی
* ناشر: روشن‌مهر
* حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی هما (امید سیدکاظمی)
* چاپ و صحافی: نشاط
* چاپ اول: ۱۳۸۴
* شمارگان: ۱۰۰۰
* شابک: ۳-۷-۹۳۹۰۰-۹۶۴
* ISBN: ۹۶۴-۹۳۹۰۰-۷-۳

www.ketab.ir

فهرست

مقدمه ۵
پیش‌درآمد ۹

با روشنی و تیرگی این شب دراز / نیما یوشیج ۱۵
۱. سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۳ ۱۵
۲. سال‌های ۱۳۱۶ تا ۱۳۱۹ ۲۹
۳. سریویلی ۱۳۱۹ ۴۰
۴. شعرهای ۱۳۲۰تا ۱۳۲۴ ۵۰
۵. مانلی ۱۳۲۴ ۶۱
۶. سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۷ ۶۸

آشنایی با رگ‌های آبی‌رنگ / فروغ فرخزاد ۷۷
۱. تولدی دیگر ۷۷
۲. ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد ۹۴

تندری رنگ می‌دهد / هوشنگ ایرانی ۱۰۵
۱. بنفش تند بر خاکستری ۱۰۵
۲. خاکستری ۱۲۰
۳. شعله‌ای پرده را برگرفت و ابلیس درون آمد ۱۲۳
۴. اکنون به تو می‌اندیشم به توها می‌اندیشم ۱۲۶

ادراک فضا، رنگ، صدا / سهراب سپهری ۱۲۹
۱. مرگ رنگ ۱۲۹
۲. زندگی خواب‌ها ۱۳۳
۳. آوار آفتاب ۱۳۸

www.ketab.ir

۴. شرق اندوه ۱۴۴
۵. صدای پای آب ۱۴۸
۶. مسافر ۱۵۲
۷. حجم سبز ۱۵۶
۸. ما هیچ ما نگاه ۱۶۳

رازهای تیره‌ی هستی / مهدی اخوان ثالث ۱۷۱
۱. آخر شاهنامه ۱۷۱
۲. زندگی می‌گوید: اما باز باید زیست، باید زیست، باید زیست ۱۸۲

قلب سرخ ستاره / احمد شاملو ۱۸۷
۱. آهن‌ها و احساس‌ها ۱۸۷
۲. قطع‌نامه ۱۹۳
۳. هوای تازه ۱۹۷
۴. باغ آینه ۲۱۴
۵. لحظه‌ها و همیشه ۲۲۱
۶. آیدا در آینه ۲۲۵
۷. آیدا، درخت و خنجر و خاطره ۲۲۸
۸. ققنوس در باران ۲۳۲
۹. مرثیه‌های خاک ۲۳۹

مسافت رنگ / یدالله رؤیایی ۲۴۵
۱. دلتنگی‌ها ۲۴۵
۲. لبریخته‌ها ۲۵۲
جدول‌ها ۲۶۴
منابع ۲۶۹

www.ketab.ir

مقدمه

پرداختن به رنگ‌ها همواره با خطر توأم بوده است

گوته

رنگ و نور دو همزاد توأمان‌اند که جان و جهان آدمی را به هم درپیوسته، در همراهی و آمد و شد خویش، دیدار و نهانی دیگر را در همه‌ی صورت‌های خیالی به جلوه درآورده‌اند. این دو همه‌ی بافته‌ها و ساخته‌های دست و دل و ذهن را شامل شده، راز و رمز و نماد و استعاره و... را به بر کشیده، به یک زبان و هزار خیال، سر به دوش و گوش انسان نهاده‌اند.

باورهای آدمی که از دیرباز با اساطیر همراز بوده، رنگ را در نمودهای ظاهری خود بر تن الهه‌گان و خدایان، به صورتی آشکار نماد آرزوها و خواسته‌های خویش گرفته، خواستاری و نفرت خود را در رنگ‌های گوناگون بروز داده است. در روایتی اسطوره‌ای (اساطیر مردم آمریکا) نیز مراحل مختلف آفرینش با تغییر در رنگ موجودات نشان داده شده است.

موسیقی و معماری هرکدام بنا به فراخور خود با رنگ داد و ستد دارند رنگ در معماری بیشتر با جنبه‌های روانی انسان، گاه فضایی فراتر از زیست‌گاه می‌یابد. چنان‌که در موسیقی گزینش رنگ برای یک ساز به معنایی ساختاری راه می‌برد.

در رویای گذشتگان سیارات، روزها، سنگ‌ها، بیماری‌ها، اعداد و... چون حلقه‌ای پیوسته رنگ را در چرخه‌ی نمادین خود فرامی‌خوانند

بنابراین رنگ در عرصه‌های مختلف زندگی گستره‌ی روح و ذهن و جسم و طبیعت آدمی را دربر می‌گیرد فلسفه و روان‌شناسی، علوم طبیعی، اسطوره، فرهنگ عامیانه، ادبیات، هنر، عرفان و ادیان هریک بنا به فراخور خود، کم یا بیش با جلوه‌های گوناگون اثبات و طرد رنگ، در رفتارند. که بروز عام و وجود گونه‌ی رنگ، درست و نادرست بسیاری، را در گستره‌ی فراخ یادشده رقم زده است.

www.ketab.ir

ادبیات و ارتباط آن با حوزه‌ها و علوم دیگر همیشه با داد و ستدها و نیز چالش‌هایی همراه بوده است این پیوند، گاه نیز با سلطه‌ی یکی بر دیگری شکل گرفته که این وضعیت در اثر یکسونگری و نوعی دگمانیسم است،اما ارتباط پایاپای و عمیق با توان لفظی و معنایی عناصر سازنده‌ی اثر ادبی شکل می‌گیرد، اتفاقی که با کارکردهای صور خیال، ظرفیت‌های زبانی روی می‌دهد و متن خلاقانه را می‌آفریند.

شعر در سازوکار خود عناصر گوناگونی را به کمک می‌گیرد که در آن پروسه‌ی شدن خود را به انجام رساند یعنی سطر اولی را که «هدیه‌ی خدایان» است به خدای گونه‌ی درون خویش بپیوندد و در این شدن و درپیوستن، کائنات را، فرامی‌خواند.

در این میان، روابط بین حوزه‌های گوناگون و داد و ستدها و چالش‌ها، چهره می‌نماید، که هرچه بازجست و تحلیل عمیق‌تر و بنیادی‌تر باشد نزدیکی و همراهی این حوزه‌ها بیشتر دیده می‌شود.

این نوشتار، سر آن دارد که بروز و نمود رنگ را در شعر نو جستجو کند این جستجو، کارکردهای چندسویه و چندگانه‌ای دارد، از نظر شناخت شاعر، نوع نگاه وی به رنگ‌ها و چگونگی حضور رنگ‌ها در شعر وی که با توجه به کارکرد معنایی رنگ‌ها به موازات حرکت ساختاری شعر هر شاعر اتفاق می‌افتند و ما را به درک و دریافت آثار وی نزدیک می‌کنند.

تغییر و تحول در کاربرد رنگ‌ها، نوع نگاه به رنگ‌ها، چرخش‌های معنایی آن نزد هر شاعر و نیز در هر دوره، ما را به علل و عوامل آن‌ها توجه می‌دهد و راه می‌نماید. و سرانجام این سویه‌ها و گونه‌ها می‌تواند به سمت نقدی علمی حرکت کند. و دستاوردهایی را برسازد:

۱. شناخت شاعر و ورود به دنیای ذهنی و آشنایی با زبان وی از طریق تحلیل رنگ.
۲. شناخت دوره‌های شعری و دریافت تأثیر و تأثرات اجتماعی شعر هر دوره براساس رنگ‌ها.
۳. چگونگی بروز و نمود رنگ و نوع کاربرد آن نزد هر شاعر و به صورت کلی در هر دوره.
۴. شناخت نوعی نقد و تحلیل براساس عنصری خاص و گسترش آن در ساختار شعر.
۵. شناخت معانی و جلوه‌های گوناگون رنگ به عنوان عنصری مؤثر در متن‌های ادبی، در علوم و حوزه‌های دیگر.

این تحلیل براساس کارکرد و بروز و نمود رنگ در تصاویر و رفتار و کنش آن با دیگر عناصر انجام شده است و از نظریه‌های روان‌شناسی و اساطیری به شکلی بسیار محدود، بهره گرفته شده زیرا در تست‌های روان‌شناسی تحلیل رنگ بیشتر کاربرد بالینی دارد. به بیان دیگر مخاطب، بیمار روان‌پریشی است که درمانگر از شیوه درمانگری با رنگ و روانشناسی رنگ‌ها استفاده می‌کند تا او را معالجه کند؛ ولی شعر متنی خلاقانه است که سازوکارهای ویژه خود را دارد.

www.ketab.ir

تعداد سی و سه مجموعه‌ی شعر نو از هفت شاعر تأثیرگذار (از نیما به بعد) انتخاب شده است. گزینش شاعران و مجموعه‌ها به گونه‌ای بوده تا مؤثرترین و مهمترین شاعران و مجموعه‌های شعر آنان باشد. تحلیل‌ها عموماً با تکیه به خود متن و براساس آمار رنگ‌ها صورت گرفته، کوشیده تا کمتر به حوزه‌های دیگر ارجاع داده شود؛ زیرا متن ادبی به عنوان اثری خلاقانه است که می‌تواند جدا و به نوعی فراتر از حوزه‌های دیگر به طور مستقل بررسی شود.

شعرها ارزش‌گذاری نشده‌اند و تنها حضور رنگ در آن محملی بوده برای تحلیل. ناگزیر زبان به مناسبت شعرها تغییر می‌کند، مثلاً شعرهای دوره‌ی اول نیما، در مقایسه با منظومه‌ها یا اشعار دوره‌ی پایانی، تحلیل‌ها را به سطح‌های زبانی متفاوتی برده است.

بررسی رنگ در هر تصویر گاه به صورت مجزا و گاه در ارتباط با ساختار کامل یک شعر آمده است.

شمارش قطعی رنگ‌ها دشوار است زیرا اگر رنگ‌ها فقط به صرف آمدن نام رنگ برشمرده شود به تحلیل کاملی نمی‌توان رسید. همچنین اشیایی که رنگ‌ها را بازمی‌تابند نیز، با توجه به موقعیت‌های مختلف‌شان به دشواری تن به شماره می‌دهند. بنابراین سعی شده با توجه به وجوه مختلف حاضر در متن، بررسی‌ها را به سرانجام رساند.

اما سرانجام، این جستجو راهی است که گستره‌ی آن به زیبایی و نزدیکی رنگین‌کمان است و نیز دوری و دست‌نیافتنی بودن آن.

*

و:

همیشه سپاسگزار جناب آقای دکتر کاووس حسن‌لی خواهم بود که بدون راهنمایی‌های مهرآمیز ایشان این نوشتار به سامان نمی‌رسید.

همچنین از تلاش‌های سرکار خانم روشن مدیر محترم انتشارات روشن‌مهر برای چاپ این کتاب تشکر و قدردانی می‌شود.

www.ketab.ir

پیش‌درآمد

براساس آمار به‌دست‌آمده، به طور کلی، پرکاربردترین رنگ در مجموعه‌های بررسی‌شده رنگ سیاه است که ۴۴درصد کل رنگ‌ها را دربر می‌گیرد. رنگ‌های سرخ، سبز، سفید، زرد، آبی، خاکستری، بنفش و قهوه‌ای، در مجموع ۵۵ درصد باقی‌مانده را شامل می‌شوند.

اختلاف بین رنگ سیاه و سفید یعنی ۴۴ درصد در برابر ۱۱ درصد دوگانگی را به سمتی دیگر کشانده یعنی مجموع رنگ‌ها را در تقابل با سیطره رنگ سیاه قرار داده است.

رنگ‌های «سرخ، سبز، سفید» با درصدی نزدیک به هم در یک مجموعه، گرد آمده‌اند و رنگ‌های «زرد و آبی» و سپس رنگ‌های «خاکستری، بنفش و قهوه‌ای» مجموعه‌هایی نزدیک به هم را شکل می‌دهند.

تلاش برای تثبیت موقعیت شخصی که با خود شعر هم‌ذات شده تلاشی مضاعف طلبیده، در رفتار رنگ‌ها، جستجوگری و تلاش برای رهایی را نشان می‌دهد که عمق این جستجوگری در تقابل یادشده مشاهده می‌شود.

نکته‌ای که در کنار تحلیل عمومی و کلی رنگ‌ها قابل توجه و بازاندیشی است، حرکت چرخشی و گاه استحاله‌ای است که در حوزه‌ی معنایی رنگ روی می‌دهد که این امر، تحلیل عمومی همان رنگ را در کنار مجموعه‌های دیگر دچار اشکال و اختلال می‌کند چرخش‌های معنایی به گونه‌های مختلف روی می‌دهد به عنوان مثال: در مورد رنگ‌های سرخ و زرد وجوه مختلف معنایی باعث می‌شود تا آن دو رنگ گاه از شکل معمول و آشنای خود به‌در آیند و بیان‌گر جلوه‌ها و معانی دیگر شوند زیرا رنگ‌های سرخ و زرد هر دو از سویی معنای زندگی، روشنی، غرایز و تحرک را در خود دارند و از سویی دیگر معنای خون، مرگ، بیماری، ضعف و پژمردگی.

مثلاً رنگ سیاه در شعرهای نیما (در دوره‌های مختلف) بالاترین بسامد را دارد در دوره اول (۱۳۱۳ ش ــ ۱۳۰۰ ش) این کارکرد بیشتر به صورت عینی و بیرونی و تا اندازه‌ای سطحی است یعنی اوضاع نابسامان اجتماعی و سیاسی حضور این رنگ را فزونی می‌بخشد.

www.ketab.ir

این کارکردها در دوره‌ی پایانی (۱۳۳۷ـ۱۳۲۵) بیشتر درونی و ذهنی شده‌اند به رغم آن‌که سیاه هم‌چنان بسامد دارد از مفاهیم گذشته جدا شده و تا حدودی به سمت مفاهیم درونی و احساسی حرکت کرده است. و شاید به همین دلیل است که کاربرد این رنگ عمیق‌تر و شاعرانه‌تر شده است چرخش معنایی رنگ سیاه در شعر سپهری آشکارتر و روشن‌تر است. این مسأله با مقایسه کاربرد رنگ سیاه در مجموعه «مرگ رنگ» که در سال ۱۳۳۰ منتشر شده با مجموعه شعر «آوار آفتاب» که در سال ۱۳۴۰ منتشر شده، یعنی با فاصله ده سال، قابل بررسی و تحلیل است.

رنگ سیاه در هر دو مجموعه بیش از چهل درصد کل رنگ‌ها را به خود اختصاص داده، اما از نظر مفهومی به دو گونه مختلف است در مجموعه‌ی «مرگ رنگ» سیاهی در هیأت شب، سنگین و چیره همه چیز را دربر گرفته و شاعر به واگویه‌ی مرگ و نیستی از زبان پرنده‌ای سیاه در دل شبی سیاه گوش سپرده است. اندوه و غم شاعر که او را به ورطه ناامیدی کامل کشانده اندوهی سطحی و رقیق، حاصل فضای بیرونی است که خود را در آن اسیر یافته هیچ گریزگاه و مأمنی، پیش چشم نمی‌بیند.

کارکرد رنگ سرخ نیز هم‌سو با رنگ سیاه، در تصاویری که آغازگاه شب را نشان می‌دهد آمده، در این میان رنگ سفید با کاربرد اندک در برابر گسترش سیاهی، حتی قادر به تقابل با آن نیست بنابراین با گستره‌ی مهارنشدنی سیاه روبه‌رو است.

اما این مفهوم در مجموعه‌های بعد، دگرگون شده که آغاز این دگرگونی به صورتی ملایم در کتاب بعدی شاعر، یعنی «زندگی خواب‌ها» دیده می‌شود و به صورت کامل در مجموعه «آوار آفتاب» جلوه می‌کند.

در این مجموعه، رنگ سیاه از حوزه اجتماعی و بیرونی به سمت درون لغزیده و فضا را به سوی نوعی عرفان و فلسفه برده است بنابراین شب و سیاهی با توجه به کلمات و فضاهایی که در آنها تعبیه شده تلخ و رمنده نیست بلکه مأنوس و مألوف است.

در شعر احمد شاملو، رنگ سرخ نمود بیشتری یافته و چرخش‌های معنایی آن روند شعری وی را به خوبی نشان می‌دهد و نوعی تحلیل از تغییرات روی‌داده در دوره‌های مختلف شعری او را بازمی‌تابد.

رنگ سرخ در مجموعه‌ی «آهن‌ها و احساس‌ها» اولین مجموعه شعر احمد شاملو بالاترین کاربرد را داشته، همه این کاربردها در مفهوم خون و حماسه آمده‌اند. شاعر گویی درد و زخم همه انسان‌ها را بر جسم و روح خود احساس می‌کند.

مفهوم زیستی، غریزی و عاشقانه رنگ سرخ در این مجموعه به شدت انکار و سخیف شده در مقابل آن معنای حماسی در هیأت زخم و خون جلوه‌گر است اما این معنا به تدریج در مجموعه‌های بعد دچار دگرگونی می‌شود و آرام‌آرام رنگ سرخ در

معنای عاشقانه بروز می‌کند چنان‌که در مجموعه «آیدا درخت و خنجر و خاطره» شاعر نسبت به همه مبارزات و عصیان‌ها و حماسه‌های پیشین تردید می‌کند و در این حال «عشق» تنها گریزگاه شاعر می‌شود و گسترش معنای زیستی رنگ سرخ است که شاعر خود را به آن نیازمند می‌بیند.

در مجموعه شعرهای فروغ فرخزاد رنگ حضوری تجربی‌تر دارد که در کنار لحن طبیعی کلام و ارتباط صمیمانه و بی‌هراس با اشیا و درک روابط شاعرانه آن‌ها به بیان عریان احساسات خویش پرداخته است که این تجربه‌ها و احساس‌های شخصی در گستره‌ای عمیقاً انسانی جلوه‌گر شده: در کنار حضور سنگین رنگ سیاه که اندوه و خستگی شاعر را در خود نشان می‌دهد طیفی از رنگ‌های دیگر را می‌بینیم که واقع‌بینی شاعر را آشکار می‌کند.

تنزه‌گرایی شاعر با هم‌نشینی مداوم رنگ‌های سرخ و آبی آمده است که توجه به غرایز زیستی و بشری در کنار شأن انسانی این ژرف‌اندیشی را بیان می‌کند.

هوشنگ ایرانی گویی بعد از زلزله‌ای سنگین و ویران‌گر، نشسته است تماشا می‌کند و شعر می‌گوید این ویرانی و سیاهی بیرونی، نحو جملات و عبارات شاعر را نیز معلق و مغشوش کرده و گاه او را به بیانی جنون‌وار وامی‌دارد.

در این فضای به‌هم‌ریخته رنگ‌ها نیز جابه‌جا جلوه می‌کنند سیاهی هم‌سو با ویرانی رنگ بنفش نیز فضای تباه و شکننده را همراهی می‌کند و در مجموع همه‌ی رنگ‌ها در کارکردی هم‌سو قطعیتی تزلزل‌ناپذیر را رقم می‌زنند. همه‌ی این موارد در مجموعه‌ی اول شاعر یعنی «بنفش تند بر خاکستری» آمده اما به تدریج در مجموعه‌های بعد با کاهش چشمگیر رنگ سیاه روبه‌رو می‌شویم که آرام‌آرام زبان شاعر نیز روان و ملایم می‌شود.

رنگ سیاه برای اخوان زمان حال است در برابر گذشته دور باستانی که خواستار تکرار و تجدید آن است بنابراین، آن‌را روشن و سپید می‌بیند و این امر شاعر را به دوگانگی‌یی نفوذناپذیر رهنمون می‌شود و همه طیف رنگ‌ها را در سیاه و سفیدی که خود رقم زده، جای می‌دهد. بنابراین دیگر جایی برای بروز و نمود رنگ‌های دیگر نمی‌ماند و هرجا که حضور می‌یابند در همان تقسیم دوگانه‌ی یادشده قرار گرفته عمل می‌کنند مثلاً رنگ سرخ، در مفهوم تباهی و مرگی که از دل سیاهی برآمده باز به همان‌سو بازمی‌گردد. این‌چنین است که همه رنگ‌ها، هم‌سرنوشت با مفهوم سیاه، رقم می‌خورند و شاعر، تصویرگر فضایی ناسازگار و نامساعد است که به هر چیز حساسیت نشان می‌دهد و بعد از انتقال تیرگی ذاتی شب به حوزه‌ی اجتماعی در مرحله بعد این تیرگی را به سرنوشت و بخت کسانی که در این جامعه هستند منتقل می‌کند.

یادآوری

ادراک رنگ و شبکه‌ی پیچیده‌ای که انجام این پروسه را میسر می‌کند، مجموعه‌ای شگفت‌انگیز است که از دریچه چشم می‌گذرد.

«رنگ‌های مختلف به علت طول موج‌های مختلف به وجود می‌آید. طولانی‌ترین طول موج قابل رؤیت در آدمی احساس رنگ قرمز ایجاد می‌کند. و طول موج‌هایی که به طور فزاینده‌ای کوتاه‌تر می‌شوند، به ترتیب تجربه‌ی رنگ‌های نارنجی، زرد، سبز، آبی و بنفش را به وجود می‌آورند.»[۱]

برای این‌که چشم چیزی را بتواند مشاهده نماید، باید پرتوهای مختلف حاصل از شی در یک نقطه‌ی واحد روی شبکیه متمرکز گردند. «شبکیه، سطحی است که در عقب چشم قرار گرفته و در برابر نور حساس است... و مهمترین یاخته‌های آن، گیرنده‌های نوری هستند یعنی میله‌های استوانه‌ای و مخروط‌های پیازی‌شکل و مخروط‌ها که فقط در بینایی روز فعال هستند، به ما امکان می‌دهند هم‌رنگ‌های بی‌فام (سیاه، سفید و رنگ‌های خاکستری بین این دو) و هم رنگ‌های فامی (قرمز، سبز، آبی، زرد) را ببینیم. میله‌ها بیشتر در شرایط کم‌نور فعالند، و فقط دیدن رنگ‌های بی‌فام را میسر می‌سازند... در سطح شبکیه، بیش از شش میلیون مخروط و صد میلیون میله به طور ناهمسان پراکنده است. در مرکز لکه‌ی زرد فقط مخروط‌ها قرار دارند و پنجاه‌هزار مخروط در ناحیه‌ی کوچکی به مساحت یک میلی‌متر مربع جمع شده‌اند.»[۲]

رنگ‌های نور و رنگ‌های نقاشی (رنگدانه‌ها) با هم متفاوتند نور وقتی از منشور می‌گذرد تجزیه شده و رنگ‌های مرئی طیف قابل مشاهده می‌گردد.

«وقتی نور به یک شیء می‌تابد بخشی از طیف مرئی جذب و بخشی از آن منعکس می‌شود. بخش‌های منعکس‌شده با هم ترکیب می‌شوند و رنگ‌هایی را تشکیل می‌دهند که چشم ما قادر به رؤیت آن‌هاست.»[۳]

بنابراین آمیزش رنگدانه‌ها و رنگ‌های نور به گونه‌ای دیگر اتفاق می‌افتد و نتیجه‌ای که از آن‌ها حاصل می‌شود نیز متفاوت است.

«آمیزش نورها یک آمیزش افزایشی است، در حالی که آمیزش رنگدانه‌ها یک آمیزش کاهشی است و به همین علت رنگدانه‌ها به طور انتخابی طول موج‌های متفاوتی از نور را جذب می‌کنند. نور منبع اصلی تمام رنگ‌ها است اما رنگدانه‌ها فقط بازتابنده و جذب‌کننده‌ی نور هستند، رنگدانه‌ها با جذب بخشی از طیف رنگی و بازتابش بقیه‌ی آن، رنگ خود را به دست می‌آورند.»[۴]

۱. زمینهٔ روان‌شناسی، ص ۱۹۸. ۲. همان، ص ۲۰۱ـ۲۰۰. ۳. بینایی، نور و رنگ، ص ۳۴.
۴. زمینهٔ روان‌شناسی، ص ۲۰۴.

www.ketab.ir

رنگ‌های اصلی و غیر اصلی مطابق توضیح دایرةالمعارف هنر از این قرار است:
«قرمز، زرد، آبی را فام‌های اولیه می‌نامند، و چون مبنای سایر فام‌ها هستند، «رنگ‌های اصلی» نیز نام گرفته‌اند. فام‌های ثانویه عبارتند از: نارنجی، سبز، بنفش که از اختلاط مقادیر مساوی از دو فام اولیه حاصل می‌شوند. فام‌های ثالثه از اختلاط فام‌های اولیه و ثانویه به دست می‌آیند: زردنارنجی (پرتقالی)؛ نارنجی‌قرمز؛ قرمزبنفش (ارغوانی)؛ بنفش‌آبی (لاجوردی)؛ آبی‌سبز (فیروزه‌ای)؛ سبززرد (مغزپسته‌ای)».[1]

۱. دایرةالمعارف هنر، ص ۲۶۴.

www.ketab.ir